

عطسه آلمان و سرماخوردگی اروپا!

اقتصاد اجتماعی آلمان پس از جنگ جهانی دوم، از طریق اعمال دقیق ترکیبی از سرمایه‌داری، حمایت نیرومند از نیروی کار و گشاده دستی در برنامه‌های رفاه اجتماعی برای چند دهه به یکی از مقتدرترین اقتصادهای جهان تبدیل شد. اما همین اقتصاد امروز زیر فشاری قرار گرفته که در گذشته کمتر آن را تجربه کرده است، با کاهش رشد اقتصادی، آلمان به مرد بیمار اروپا (ژاپن اروپا) شهرت یافته که اثرات آن هم بر کل اروپا و هم بر پول واحد تازه تولد یافته آن - یورو - اثراتی ناخوشایند باقی گذاشته است. آلمان که تقریباً یک سوم بازده اقتصادی اروپا را به خود اختصاص داده وقتی عطسه می‌کند اروپا دچار تب سرماخوردگی می‌شود. کشورهای منطقه یورو امروز با توجه به ضعف واحد پول مشترکشان اقدام به فروش یورو می‌کنند و بزرگترین مشکلشان این است که چگونه اقتصاد آلمان را مجدداً احیاء کنند. ارقام، واقعیات را بهتر نشان می‌دهند. در سه ماهه چهارم سال ۱۹۹۸ تولید ناخالص ملی آلمان دو دهم درصد سقوط کرد، در حالی که در همین ماه‌ها تولید ناخالص ملی سایر کشورهای منطقه یورو پنج دهم درصد رشد داشت. ارقام مربوط به سه ماهه اول سال جاری نیز چندان امیدوارکننده‌تر از ارقام بالا نیست. پاره‌ای پیش‌بینی‌ها حاکی است که وخامت اوضاع اقتصاد آلمان ممکن است باز هم ادامه یابد، که در این صورت کشور از نظر فنی در دورانی از رکود فرو خواهد رفت. رشد در برخی از حوزه‌های اقتصادی که گهگاه اعلام می‌شود، بسیار ناچیز است و در کل اقتصاد به حساب نمی‌آید. دولت آلمان پیش‌بینی کرده است که رشد تولید ناخالص ملی برای سال جاری ۱/۵ درصد خواهد بود که اظهارنظری خوش‌بینانه است.

بسیاری از اقتصاددانان بخش خصوصی روند این رشد را کمتر دانسته، و آن را تا یک درصد پیش‌بینی می‌کنند. سال آینده ممکن است اخبار خوش‌آیندتری به گوش برسد، زیرا ممکن است به دلیل ارزش پایین یورو، صادرات آلمان افزایش یابد. با این حال کمتر کسی به چنین آینده‌ای اعتماد دارد. واقعیت این است که از سال ۱۹۹۵ رشد اقتصاد آلمان نسبت به ۱۱ کشور دیگر منطقه یورو هر ساله یک درصد کاهش داشته است. مصرف‌کنندگان آلمانی با شگفتی و در

کردن کمربندها، موقعیت رؤسای شرکت‌های صنعتی را بازهم متزلزل‌تر کرده است. فقدان اعتماد در میان شرکت‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل بالا بودن نرخ بیکاری در آلمان است. ایجاد اشتغال یکی از شعارهای مهم آقای شرودر صدراعظم آلمان در مبارزات انتخاباتی گذشته بود؛ ولی ائتلاف سرخ و سبز (سوسیال دمکرات‌ها و طرفداران محیط زیست) تا این لحظه به صورت قابل توجهی در برنامه‌های ایجاد شغل برای بیکاران ناموفق بوده است. در حال حاضر چهار میلیون آلمانی، یعنی ۱۰/۷ درصد نیروی کار این

سکوت به این تیرگی فراگیر کشورشان می‌نگرند. شرکت‌ها نیز تحت تاثیر مقررات مالیاتی که به وسیله اسکار لافونتن وزیر دارایی پیشین آلمان ارائه شد مبهوت و سرگردانند. آخرین بررسی‌ها در مورد شرایط بازرگانی در آلمان نشان می‌دهد که به رغم وجود اثری از بهبود وضع اقتصادی در پایان سال جاری، بازرگانان آلمانی از اواسط سال ۱۹۹۶ در یکی از تیره‌ترین دوران‌های فعالیت خود به سر می‌برند. اقدامات آقای هانسل اشیل وزیر دارایی و جانشین لافونتن و توصیه‌های او به محکم‌تر

«قابل توجه مؤسسات کشاورزی
تولیدکنندگان ماشین آلات کشاورزی
صنایع غذایی - دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان
به کشاورزی و دامپروری»

**حضور در دومین نمایشگاه
کشاورزی تبریز**

۲۱ - ۱۸ آبان

بدین وسیله به اطلاع عموم می‌رساند، دومین نمایشگاه سراسری فرآورده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی و دامی همراه با برگزاری تور سه روزه اختصاصی نمایشگاه و گشت سیاحتی شهر تبریز با همکاری نشریه دام و کشت و صنعت در تاریخ ۲۱ - ۱۸ آبانماه سالجاری در شهرستان تبریز برگزار می‌گردد.

جهت اطلاع از چگونگی و شرایط برگزاری این نمایشگاه با شماره تلفن: ۸۸۴۲۷۳۰ و نمابر ۸۸۳۲۳۶۱ تهران یا دفتر تبریز تلفن: ۳۷۳۸۵۱ - ۰۴۱ تماس حاصل فرمائید.

دیرخانه برگزاری دومین نمایشگاه سراسری
فرآورده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی و دامی تبریز

کشور بیکارند. ممکن است این ارقام از مشابه آن در مثلاً فرانسه کمتر باشد، ولی برای کشوری که خود را نیروی محرکه اقتصاد یک قاره بزرگ و ثروتمند می‌داند موجب سرشکستگی است. در زمانی که اقتصاد آمریکا همچنان از رونق برخوردار است و فرانسه و چندین کشور دیگر اروپایی نیز رشد قابل توجهی دارند، آلمان پس از اتحاد با شرق کشورش انتظار داشت اقتصادی پررونق داشته باشد، با حسرت به ایستایی تحرک اقتصادش می‌نگرد.

پاره‌ای از صاحب‌نظران آلمانی سیاست‌های فشرده ماکرواکنومستی دوران وحدت دو آلمان را به عنوان عامل اصلی چنین ایستایی سرزنش می‌کنند. در بیشترین سال‌های دهه نود بانک مرکزی آلمان زیر فشار آثار جانبی وحدت، و نیز کسر بودجه نرخ بهره را بالا نگاه داشته بود. زمانی که یورو وارد صحنه شد سیاست پولی آلمان تحت فشارهای تازه از سوی سایر کشورهای اروپایی برای تطبیق خود و آلمان با یورو برای اجرای معاهده اروپایی «قرارداد رشد و ثبات» قرار گرفت که همچنان ادامه دارد. در آن زمان آلمان می‌توانست از طریق کاهش نرخ بهره و تن دادن به کسر بودجه بیشتر تا حدودی به اقتصاد خود تحرک ببخشد، ولی حالا قدری دیر است.

پیامدهای ضربه‌های خطا

ضعف اقتصاد آلمان، درست با ضعف یورو همزمان شده است. یورو که در زمان مصرفی به عنوان پول واحد اروپا مدت‌ها توانست نرخ برابری خود را در مقابل دلار حفظ کند ولی امروز که دچار ضعف شده است سایه‌ای سنگین بر اقتصاد آلمان انداخته است. شاید صادرکنندگان آلمانی از موقعیت مناسبی که مارک آلمان در سال‌های ۱۹۹۰ داشت احساس آرامش می‌کردند ولی بانکداران بانک مرکزی هرگز چنین احساسی نداشتند. ماه گذشته اوتمار الیسینگ اقتصاددان طراز اول بانک مرکزی اروپا که قبلاً ریاست بانک مرکزی آلمان را برعهده داشت. ضمن سرزنش

سیاست‌گذاران یورو در آلمان، آن‌ها را متهم کرد که در زمینه اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی راه اغراق پیموده‌اند و سیاست‌های تامین اجتماعی و بازار کار آن‌ها با شرایط موجود اقتصاد آلمان همخوانی نداشته است و همین سیاست‌ها در نهایت موجب بروز ضعف در واحد پول اروپایی شده است.

آلمان تخصیص داده می‌شد به حدود ۵ درصد تولید ناخالص ملی بالغ می‌شد که موجبات نوسانات گاه خوب، و گاه بد را در اقتصاد ملی آلمان فراهم می‌آورد.

ضربه دوم بر اقتصاد آلمان بحران‌های بی‌امانی بود که بر اقتصادهای کشورهای شرق



آسیا سایه افکند. آلمان به عنوان یک صادرکننده بزرگ، بیشترین تولید ملی خود را که از همه کشورهای اروپایی بیشتر است (۳۰ درصد تولید ملی) به کشورهای خارج، و به ویژه کشورهای شرق آسیا صادر می‌کرد. سقوط اقتصادهای شرق آسیا بیشترین ضربه را بر صادرات، و در نتیجه بر اقتصاد ملی آلمان وارد کرد. از این گذشته، اشباع بازار برخی از کالاها نظیر فرآورده‌های پتروشیمی و آلومینیوم که حتی قبل از بحران‌های شرق آسیا اتفاق افتاده بود زبان‌های جبران ناپذیری بر منافع و فعالیت‌های صادرکنندگان آلمانی وارد آورد. سقوط اقتصاد روسیه که از مشتریان بزرگ کالاهای آلمان بود نیز عاملی دیگر شد بر ناکامی‌های اقتصادی آلمان.

بسیاری از اقتصاددانان آلمانی معتقدند نباید رویدادهای موقتی را که گفته شد، عوامل ضعف

بسیاری از اقتصاددانان آلمانی معتقدند ارقام ناخوشایند کنونی نتیجه یک سلسله ضربه‌هایی است که به خطا بر ساختار اقتصاد آلمان وارد آمده است و زمانی که اثر این ضربه‌ها زایل شود، خوشبینی یک بار دیگر ظاهر خواهد شد و اقتصاد آلمان راه رشد را در پیش خواهد گرفت. نخستین و موثرترین این ضربه‌ها وحدت دو آلمان در سال ۱۹۹۰ بود. بخش غربی آلمان که در دوران وحدت ناچار شد بار نابسامانی‌های شرق کشور را به دوش بکشد، و به ویژه پس از آن که دستمزدها در شرق آلمان به صورت قابل ملاحظه افزایش یافت، نخستین آثار ضعف در اقتصاد آلمان نمایان شد. بخش عمده مالیاتی که از مالیات دهندگان آلمانی دریافت می‌شد در چاه بی‌انتهای شرق آلمان ناپدید می‌شد و این وضعیت مدت‌ها ادامه داشت. سوبسیدی که به فعالیت‌های اقتصادی در شرق

اقتصاد آلمان دانست زیرا هیچیک از این اتفاقات ریشه‌ای نیستند. درست نیست که اعمال سیاست‌های اشتباه در ماکرواکنومی آلمان در سال‌های ۱۹۹۰ را به عنوان عامل رکود اقتصاد آلمان سرزنش کرد، بلکه در بلندمدت آنچه که آلمان را تضعیف کرده است (و شاید اقتصادهای دیگر اروپا را) وجود اشکالاتی در ساختارهای میکرواکنومی نظیر سیستم مالیاتی ناکارآمد، سیستم متورم رفاه اجتماعی و هزینه‌های سنگین نیروی کار است.

همین اقتصاددانان می‌گویند اخبار مربوط به سقوط ارزش یورو نیز که در هفته‌های اخیر در نشریات از آن بسیار سخن گفته شده، تا حدی اغراق‌آمیز است. با آن که ارزش یورو در سال جاری در برابر دلار به شدت کاهش یافته است ارزش مبادلاتی آن در مقابل ارزهای اروپایی

نسبت به سال ۱۹۹۸ تنها ۴ درصد تضعیف شده است. تازه طبیعت این تضعیف به یک بیماری نمی‌ماند، بلکه بیشتر شبیه کسالتی زودگذر است. دلیل اصلی کاهش ارزش یورو چرخشی است که در انتظارات رشد اقتصادی در آمریکا و اروپا دیده شد. در اواخر سال گذشته در یک نظرخواهی مجله اکونومیست پیش‌بینی شد که اقتصادهای ۱۱ کشور حوزه یورو در سال جاری ۲/۶ درصد رشد خواهد داشت و اقتصاد آمریکا به رشدی برابر ۱/۹ درصد خواهد رسید. اما در آخرین نظرخواهی دیده شد که رشد اقتصادی در حوزه یورو ۱/۴ درصد است. درحالی که آمریکا به رشدی برابر ۳/۸ درصد نائل آمده است. این بدان معنی است که نرخ بهره یورو در کشورهای اروپایی پایین نگاه داشته شده ولی نرخ بهره در آمریکا به منظور ایجاد موازنه در اقتصاد، قدری بالا رفته است تا

تقاضا برای دلار افزایش داده شود. در همین حال، یک یوروی ارزان موجب افزایش صادرات و در نتیجه رشد خواهد شد. گرچه یک ارز ارزان تورم را به جلو می‌راند ولی یورو تنها با یک درصد تورم تاثیر چندانی بر تورم عمومی در حوزه خود ندارد. در اصول، دخالت در بازار ارز و بالا بردن نرخ بهره، دارویی مناسب برای اقتصادهای کشورهای حوزه یورو در شرایط فعلی نیست. از طرف دیگر سیاستگذاران مالی اروپا باید از سقوط ارزش یورو خرسند باشند، زیرا چنانچه یورو براساس مفروضات فعلی روند افزایشی به خود می‌گرفت، ضربه‌هایی که بر اقتصاد حوزه خود وارد می‌کرد، اثراتی بس بدتر از یوروی ارزان داشت.

مأخذ: مجله اکونومیست: ژوئن ۱۹۹۹

برگردان از بخش ترجمه گزارش

شرکت مهندسی زاگ شیمی

تحقیقات ، طراحی ، ساخت ، مشاوره
و خدمات شیمی و مهندسی شیمی

تولید کننده و تهیه کننده دستگاههای آزمایشگاهی ، انواع الکترودها ،
دستگاههای کنترل صنعتی ، مواد شیمیایی ، آزمایشگاهی و صنعتی
و طراحی و ساخت آزمایشگاههای شیمی

تهران - خیابان مطهری - خیابان میر عماد - کوچه دوم - بلاک ۲۰
تلفن : ۲۱-۸۷۳۴۳۲۰ ۸۷۵۵۶۶۸ ۸۷۵۸۱۷۵ فاکس : ۸۷۵۰۹۱۰